

Das Blumenbeet , Wort des Tages لغت روز , pflanzen, bepflanzen, anpflanzen

written by مرتضی غلام نژاد | می 15 , 2017

Das Blumenbeet, -e

باغچه گل

Kleines Stück Land, auf dem Blumen wachsen

تیکه ای کوچک از زمین که روی آن ، گل ها رشد میکنند.

اسم Blumenbeet از دو اسم Die Blume و Das Beet تشکیل شده است که اولی به معنی گل و دومی به معنی باغچه است ، که پس از ترکیب شدن با هم کلمه مرکب باغچه گل ها را ساخته اند.

Der Hund der Nachbarn ist durch unser Blumenbeet gelaufen. Jetzt sind die schönen Blumen kaputt

سگ همسایه از میان باغچه گل های ما دویده است. الان آن گل های زیبا خراب شده اند

تلفظ ?

Die Gärtner legen die Blumenbeete des Stadtparks an

باغبان ها ، باغچه های پارک های شهر را تاسیس میکنند یا بنا میکنند.

Ein Blumenbeet bepflanzen

یک باغچه گل را کاشتن

Ein Blumenbeet pflegen

از یک باغچه گل نگهداری کردن

نکته : توجه داشته باشید که هرگاه بخواهیم از کلمه باغچه استفاده کنیم می بایستی Das Beet را بکار ببریم اما اگر منظور ما باغچه ای است که در آن فقط گل کاشته شده است آنگاه از Das Blumenbeet استفاده میکنیم.

Ein Beet für Salat

یک باغچه برای کاهو

Ein beet umgraben

یک باغچه را بیل زدن

Ein Beet Kohlrabi anpflanzen

در یک باغچه ، کلم کاشتن

Der Gärtner pflanzt schon früh im Jahr im Glashaus Gemüse

آن باغبان پیش از سال در گلخانه سبزیجات را میکارد

pflanzen

کاشتن ، نهال کاری کردن ، نشاء زدن ، چیزی را در جای خودش محکم فرو کردن ، سر به سر کسی گذاشتن ، کسی را اذیت کردن

گذشته ساده : pflanzen

گذشته کامل : haben gepflanzt

Einen Baum pflanzen

یک درختی را کاشتن

Hör auf, mich zu pflanzen

دست بردار از سر به سر گذاشتن من
بی خیال اذیت کردن من شو

Ich lass mich von dir doch nicht pflanzen

اجازه نمیدم که تو منرا اذیت بکنی یا سر به سرم بگذاری

دو مثال بالا ، بیشتر در کشور اتریش مورد استفاده قرار میگیرد ، البته در کشور آلمان و سوئیس نیز می توانیم از آنها استفاده کنیم اما در اتریش مرسوم تر است

و اما اگر فعل pflanzen به عنوان یک فعل انعکاسی مورد استفاده قرار بگیرد ، آنگاه معانی لمیدن ، در جای راحتی نشستن را میدهد.

Sie pflanzte sich auf die Couch

او خودش را به روی کاناپه لم داده بود